ماهانه ۱۵هزار تن گوشت مرغ مازاد تولید می‌شود

رئیس انجمن پرورش‌دهندگان مرغ گوشتی با بیان این‌که روزانه ۵ هزار و ۵۰۰ تا ۶ هزار تن مرغ گرم در سطح کشور عرضه می‌شود، گفت: «با توجه به کاهش سرانهٔ مصرف، ماهانه ۱۰ تا ۱۵ هزار تن از این میزان مازاد بر نیاز کشور است». ویافزود: «وضعیت کنونی بازار مرغ تاسف‌بار است چراکه مرغ‌هایی که امروز وارد بازار می‌شود، با نرخ هر قطعه جوجه ۱۵ هزار تومان تولید شده است که براین اساس تولیدکننده در فروش هر کیلو مرغ ۱۵ تا ۱۶ هزار تومان زیان می‌کند».

خبر

دریافت ۳۰۰ تومان برای هر مترمکعب برداشت غیرمجاز آب

مدیرکل آب کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی جزئیات افزایش قیمت آب‌بهای مورد استفاده در بخش کشاورزی در بخش‌های منابع آب زیرزمینی، آب جاری و پایاب سدها را اعلام کرد.به گفتهٔ وی، بر اساس بودجه سال جاری، مبلغ حق‌النظاره برای هر مترمکعب از چاه‌های مجاز ۳۰ تومان و چاه‌های غیرمجاز ۳۰۰ تومان تعیین شده است.وی توضیح داد: «چاه‌های غیرمجاز با وجود این‌که کنتور ندارند وزارت نیرو از میزان برداشت صورت گرفته از منابع آبی برآورد دارد و مبالغ دریافتی بر این اساس دریافت می‌شود».«برای استفاده از آب‌های جاری نیز با عنوان تثبیت آب‌بهای زراعی در مناطقی که دولت شبکهٔ مدرن ایجاد کرده دو درصد ارزش محصول و برای برداشت‌های سنتی یک درصد ارزش محصول دریافت می‌شود».

وضعیت وخیم‌تر اقتصادی زنان سرپرست خانوار به نسبت مردان

رنج دو چندان زنان سیرجانی

سمیرا سرچمی

تضاد طبقاتی و اختلاف فقیر و غنی در سیرجان روز به روز در حال افزایش است و وضعیت مدام وخیم‌تر می‌شود. شکافی که در نتیجه مدیریت ناکارآمد اقتصادی ایجاد شده است و از بین تمام آسیب‌های معیشتی و فرهنگی‌ئی که به شهر می‌زند، این میانه زنان را به واسطه‌ی موقعیتی که در یک جامعه‌ی نابرابر دارند، بیشتر دستخوش چالش‌هایِ امرار معاش قرار داده است.اگر تا دیروز متکدیان زنِ اغلب از اتباع افغانستان یا پاکستان بودند که با فرزندان شان سر چهارراه‌ها تکدی‌گری می‌کردند حالا زنان سیرجانی‌ئی که از قشر پایین جامعه هستند هم اضافه شده‌اند. این آگهی که بر روی عابربانک شهرداری منطقه دو زده شده گواه بر وجود زنانی‌ست که اگر بنا به هر دلیلی همسرشان را از دست بدهند به راحتی نمی‌توانند از پس تامین مایحتاج زندگی‌شان بر بیایند. حال ممکن است با انتشار عکس این دل‌نوشته‌ی یک زن سیرجانیِ سرپرست خانوار، خیل خیّران به راه بیفتند و مشکلَ مالی این زن سیرجانی، موقتا با واریز کمک های خیرخواهانه‌ی ریز و درشت مردم مهربان سیرجان حل شود اما بعدش چه؟ می‌گویند به جای ماهی دادن به دیگری، به او ماهیگیری یاد بدهید. بنابراین حتا در صورت کمک خیران این مساله مسکّن موقت است و درد را می‌خواباند ولی علاج نمی‌کند. نهایتا این زن باید چه کند؟ این زن و همه‌ی زن‌های دیگری که سرپرست خانوار هستند و فشار اقتصادی زیادی را در این تورم و اقتصاد کلنگی شده دارند تحمل می کنند. فشاری که در مقایسه با مردان سرپرست خانوار قابل مقایسه نیست.

چرا قابل مقایسه نیست؟ چون شرایط بازار کار و جذب شدن در آن و شرایط دستمزدها برابر نیست. برابر که چه عرض کنم، حتا نزدیک هم نیست. مشاغلی که به دنبال جذب نیروی زن هستند، متاسفانه اغلب مجرد بودن، روابط عمومی بالا و ظاهر آراسته را به عنوان سه ملاک مهم گذاشته‌اند که از زن متقاضی کار می‌خواهند و این سه معیار برای بسیاری از زنان طبقه‌ی ضعیف جامعه همچون زنی که این آگهی را نوشته دور از واقعیت است و حتا انتظار زیادی‌ست.

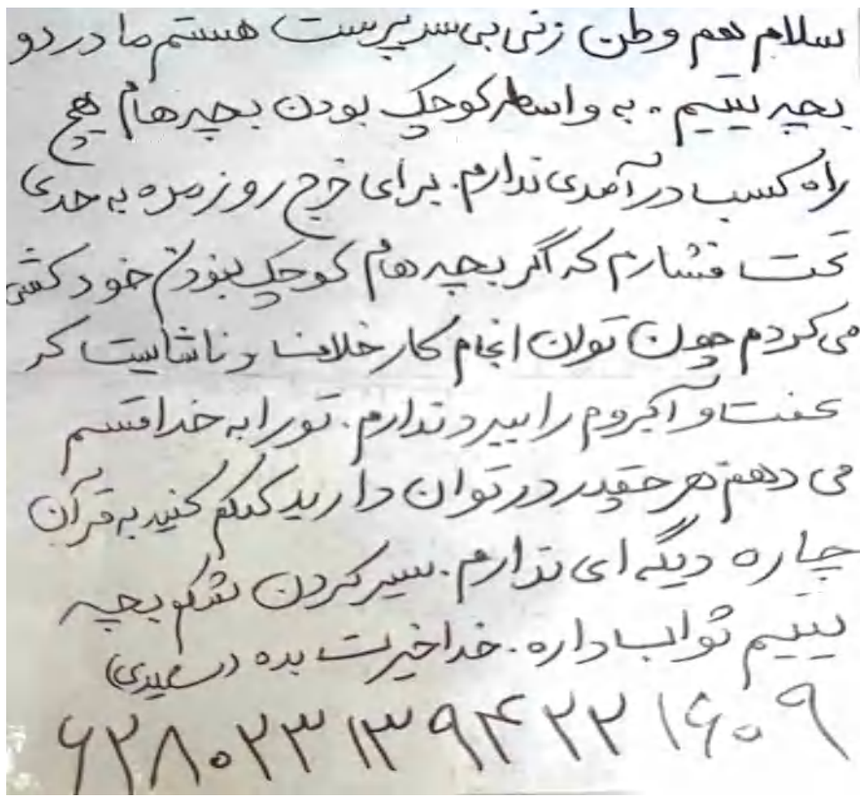
سلام هم وطن زنی بی‌سرپرست هستم ما دردو
بچه یتیم . به واسطه کوچک بودن بچه‌هام هیچ
راه کسب درآمدی ندارم. برای خرج روزمره به مددی
کمت فشارم که اگر بچه‌هام کوچک نبودم خودکشی
می‌کردم چون توان انجام کار خلاف و ناشایست کر
حیثیت و آبرومم را بیبرد ندارم. تو را به خدا قسم
می دهم هر حقیدر در توان دارید کمکم کنید به قرآن
چاره دیگه‌ای ندارم. سیر کردن شکم بچه
یتیم ثواب داره. خدا خیرت بده (سعیدی)
۶۲۸۰۲۳۱۳۹۴۲۲۱۶۰۹

آمار رسمی چه می‌گوید؟

مطابق آمار رسمی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از سال ۸۵ تا ۱۴۰۰ تعداد زنان سرپرست خانور در ایران از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر به ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. گزارش‌های وزارت رفاه در سال ۹۷ از این حکایت داشت که در آن زمان، حدود ۳۳ درصد از زنان سرپرست خانوار در ایران زیر خط فقر قرار داشتند، اما با توجه به تورم سه سال گذشته اقتصاد ایران و عدم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم، بعید نیست که در شرایط کنونی حداقل ۵۰ درصد زنان سرپرست ایرانی معادل یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر زیر خط فقر قرار داشته باشند. نکته مهم دیگر این که مطابق آمارهای رسمی، از حدود ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در ایران، در مجموع حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از آنها تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی قرار دارند. حال اگر فرض کنیم به جای یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، عملا تمام یک میلیون و ۷۰۰ هزار زن سرپرست خانوار زیر خط فقر تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار داشته باشند، بازهم عملا هیچ تفاوتی در وضعیت معیشتی این زنان ایجاد نمی شود، زیرا مستمری ماهانه کمیته امداد و بهزیستی بسته به تعداد اعضای خانوار ماهانه بین ۴۲۰ تا یک میلیون و ۳۲۰ هزار تومان است که عملا نمی تواند دردی از مشکلات معیشتی زنان سرپرست خانوار و خانواده های آنها دوا کند. صرف نظر از مستمری اندک، پرداخت وام هایی که معمولا فقط به تعداد کمی از زنان سرپرست خانوار تعلق می گیرد و البته بعضی حمایت های بیمه ایِ ناکافی از زنان سرپرست خانوار در ایران، عملا هیچ گونه حمایت دیگری از خانوارهای زن سرپرست کشورمان انجام نمی شود و به صورت کلی، اساسا نظام حمایت مناسبی از زنان سرپرست خانوار در ایران وجود ندارد؛ مساله ای که باعث شده است خانوارهای زن سرپرست در شرایط تورمی بیش از خانوارهای مرد سرپرست تحت فشارهای معیشتی قرار گیرند.

در برخی مواقع نیز که کارفرمایان حاضر به استخدام زنان می شوند، معمولا در شرایط شغلی و تخصصی برابر، حقوق مردان را بیشتر از زنان در نظر می گیرند.

راه حل، پیش پای زنان سیرجان است اگر...

مشکل زنان سرپرست خانوار می‌توانست زودتر و بهتر از این‌ها حل شود. در شهر جهانی گلیم می‌بایست زن‌ها خیلی سرگرم‌تر از این‌ها به شغل گلیم‌بافی مشغول باشند. می‌شد موسسات آموزشی زیادی در بحث آموزش هنر گلیم‌بافی به زنان ورود کنند و از طرف دیگر شرکت گل‌گهر که در اقدامی درخورد مشغول به دادن وام خوداشتغالی به صاحبان ایده برای کسب و کار است، در جبران مردانه بودن فضای معدنی، دست کم برای اعطای این وام، زنان و به ویژه زنان سرپرست خانوار را در اولویت قرار بدهد و این وام را برای راه اندازی کسب و کارهای خانگی مثل تهیه دار و ابزار و نخ و مواد اولیه گلیم بافی و صنعت بسته‌بندیِ گلیم به زنان بدهد.

فقط هم بحث یکَ گلیم بافی ساده نیست. بحث اتصال بی واسطه به یک اقتصاد جهانی است. صنایع وابسته‌ی گلیم هم کم نیستند که می‌توانند در خود سیرجان شکل بگیرند. گلیم نخ می‌خواهد پس نخ ریسی و رنگرزی هم رونق می‌گیرد. صنعت بسته‌بندی گلیم هم که نشان سیرجان داشته باشد مهم است. یا خود معادن مگر لباس مخصوص کار نیاز ندارند؟ چرا تمام آن را به خیاطان سیرجانی سفارش ندهند؟

خبر

زنان فقیر آسیب‌پذیرتر از مردان فقیر

سمیرا آتش‌افروز: آیا زنان بیشتر در معرض فقر قرار دارند؟- مسئله فقر زنان را با چه آسیب‌هایی مواجه می‌کند؟- فقر زنانه جامعه را به چه سمتی می‌برد؟ فقر مسئله‌ای است که همیشه دامنگیر زنان بوده به طوری که زنان همیشه نسبت به مردان بیشتر در معرض فقر قرار داشته‌اند .

ثروت و منابع همواره در تملک مردان بوده و درصد مالکیت زنان همواره ناچیز بوده است. به عنوان مثال در مناطق روستایی زنان باآنکه سهم عمده‌ای در کار کشاورزی دارند اما فقط مالک یک درصد زمین‌های کشاورزی هستند. می‌توان گفت در سال‌های اخیر و طی یک دهه گذشته زنان فقیرتر هم شده‌اند و هم میزان فقر مطلق در میان زنان بیشتر شده است.

همچنین تقسیم کار جنسیتی باعث می‌شود زنان برای گذران زندگی متکی به درامد مردان باشند و اشتغال آنها مهم و ضروری شمرده نشود. مسائلی همچون سهم ارث نابرابر زن و مرد در فقر زنان نقش دارد با قانون ارث توزیع ثروت میان زن و مرد به طور غیر عادلانه صورت می‌گیرد و همین مسئله نیز در فقیر شدن زنان نسبت به مردان اثر گذار است .

هرچند فقر واقعیتی تلخ است و زن و مرد هم نمی‌شناسد اما فقر در زنان ابعاد و عمق بیشتری دارد و می‌تواند نقطه‌ای بر آغاز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و تهدیدی برای سلامت کل جامعه باشد. بنا به گفته جامعه‌شناسان تعداد زنان سرپرست خانوار بی‌کار افزایش داشته و علاوه بر این نیز شمار زنان بی‌خانمان و اصطلاحا کارتن‌خواب و حاشیه‌نشین نیز رو به افزایش گذاشته است. به عبارتی بخشی از زنان که اکنون مسئولیت سرپرستی خانوار را بر دوش دارند، خود قربانی معضلات و مشکلات اجتماعی هستند که بدون داشتن شغل و درامد خاصی مسئولیت بیشتری که همان تامین نیازهای خانواده و فرزندان است را هم عهده دار شده‌اند و نیازمند کمک و حمایتی فراتر از مستمری نهادهای حمایتی هستند.

در واقع زنانی که مهارت و توانمندی لازم برای بدست آوردن شغلی که تامین کننده درآمد و نیاز خانواده تحت سرپرستی‌شان را ندارند به ناچار وارد بازار کار غیررسمی و ناامنی می‌شوند که مقدمه‌ای برای ورود آن‌ها به چرخه‌ای از آسیب‌های اجتماعی است.وقتی جامعه راهکاری برای حل مساله فقر نداشته باشد، این زنان مجبور به حل مشکل فقر به صورت فردی خواهند شد که این راه حل‌های فردی ممکن است همیشه با ارزش‌های اجتماعی و انسانی منطبق نباشد. فقر اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز انحراف و کج روی شود و زنان را به سمت مشاغلی بکشاند که هم برای خود آن‌ها و هم برای جامعه آسیب‌زا باشد و ورود به مشاغلی غیر رسمی و غیرقانونی به صورت معضلاتی همچون تن‌فروشی ، فروش نوزاد، فروش مواد مخدر، کار در اماکن ناامن و پر خطر عواقب خود رانشان می‌دهد. همچنین افراد تحت سرپرستی این زنان که شامل کودکان هستند نیز ممکن است به دلیل فقر از چرخه‌ی تحصیل خارج و برای تامین هزینه‌های خانوار وارد بازار کار شوند که این خود یک آسیب اجتماعی جدی خواهد بود.

*جامعه‌شناس